

## اشرف دهقانی

### پیام به توده های تحت ستم، زنان و مردان، جوانان سلحشور و انقلابی ایران!

با قلبی سرشار از نفرت و خشم نسبت به دشمنانمان، درود می فرستم به شما کارگران، زحمتکشان و همه ستمدیدگان مبارز ایران، به شما ای جوانان مبارز و به ویژه زنان آزاده و رزمنده که علیرغم همه شرایط پلیسی و آگاهی به شدت وحشی گری های مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با جسارت بی نظیر و قابل تحسین خیابان های سراسر کشور را به صحنه جنگ با دشمن تبدیل کرده اید.

در اوضاع به شدت انفجاری جامعه، ریخته شدن خون یک دختر جوان کُرد بر زمین، توسط مزدوران "گشت ارشاد" در بازداشتگاه این نهاد سرکوبگر در تهران (ژینا امینی)، جرقه ای بود که شعله های آتش بزرگی را امروز در سرزمین به یغما رفته ایران بر افروخته است؛ آتشی که جز با یک دگرگونی عمیق اقتصادی و اجتماعی یعنی با یک انقلاب سرخ پیروزمند خاموشی نخواهد گرفت. شعله های این مبارزه اگر در آغاز در تهران و سقز برافروخته شد، اکنون سراسر کشور را فرا گرفته است.

### توده های انقلابی ایران!

مردمان ستم دیده همه جهان امروز شاهد صحنه های بسیار شکوهمندی از رزمجویی شما هستند. شاهد اقدام بسیار جسورانه و انقلابی زنان آزادیخواه از دختران جوان گرفته تا زنان پا به سن گذاشته و مو سفید در برداشتن روسری (حجاب)، این نماد اسارت زن از سر، آنهم در مقابل چشم مأموران گشت های کشتار جمهوری اسلامی، همان گشت هایی که در سال ۱۳۵۸ در تحکیم پایه های رژیم وابسته به امپریالسم جمهوری اسلامی در خیابان ها به پیشانی زنان بی روسری پونز فرو می کردند و به سر و صورت آنها تیغ می کشیدند. شاهد مقابله قهر آمیز جوانان ما با مزدوران رژیم چه در لباس شخصی و چه یونیفورم پوش، حمله آنان به مراکز ستم و سرکوب جمهوری اسلامی، آتش زدن پایگاه های پلیس، تسخیر فرمانداری ها و کلانتری ها و شهرداری ها و دفاتر امام جمعه ها. شاهد نبردهای بسیار شجاعانه و قهرمانانه تن به تن این جوانان، آنهم با دست خالی در مقابل مأموران بسیار وحشی و بی رحم رژیم حاکم هستند. همه استثنای شدگان و ستمکشان و مردم آزادیخواه در هر جا که هستند در این اقدامات شجاعانه که بیانگر سطح بالایی از آگاهی انقلابی در توده های ماست، امید به آینده روشن را می بینند.

شعله ور شدن هر چه شدیدتر خشم توده های تحت ظلم و ستم ما، امروز در اواخر شهریور ۱۴۰۱، ریشه در مبارزه حاد طبقاتی در جامعه ایران دارد که نزدیکترین نمودش در جنبش بزرگ سال ۱۳۸۸ نشان داده شد. متعاقب این جنبش، در قیام های دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸، توده های جان به لب رسیده با شوریدن علیه وضع موجود، رژیم را در چنان مخمصه ای قرار دادند که مجبور شد چهره جنایتکار خود را حتی به عقب مانده ترین اقشار خلق نیز نشان دهد. این قیام های قهرمانانه و تداوم مبارزه طبقاتی در شکل ها و ابعاد مختلف، جمهوری اسلامی را با بحران مشروعیت شدیدی مواجه ساخت تا آنجا که علیرغم تمام حیل و گریه های ذاتی خود و تبلیغات ریاکارانه رسانه های پشتیبانانش در خارج از ایران، باز سلاح هایش در فریب توده ها زنگ زده شدند و همگان دیدند که این رژیم جز با زبان قهر ضد انقلابی قادر به سخن گفتن با توده ها نیست.

ما امروز در قیام اخیر توده های شجاع ایران، تجربه گیری و درس آموزی آنان از مبارزات دلاورانه خود را شاهدیم. این امر چه در همه گیر شدن شعارهای انقلابی و رادیکال گذشته در تظاهرات و چه در عملکردهای مردم در مقابل نیروهای سرکوب رژیم خود را ظاهر ساخته است. امروز دیگر شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، "جمهوری اسلامی نمی خواهیم" در هر تظاهرات توده ای به گوش می رسد تا آنجا که رسانه هایی چون بی بی سی هم که در گذشته تنها به رسانه ای کردن شعار "مرگ بر دیکتاتوری" مردم اکتفاء می کردند، مجبور شده

اند حتی شعاری که اولین بار توسط دانشجویان مبارز دانشگاه تهران سر داده شد را هم منعکس کنند که فریاد می زدند: "گشت ارشاد بهانه است، اصل نظام نشانه است".

در مورد عملکردهای نیروهای انقلابی در صحنه مبارزه نیز اگر مثلاً در جنبش ۸۸، با توجه به اشاعه اندیشه های اصلاح طلبانه و پرهیز از قهر انقلابی (یا به زعم آنها خشونت)، بعضاً کسانی مزدوران وحشی گیرافتاده توسط توده‌ها را رها می کردند، اما امروز توده‌های انقلابی ما متوجه هستند که باید با نیروهای دشمن بدون هیچ گذشت و ترحم، و با چنان قاطعیتی برخورد کنند که شایسته این قاتلین و حافظین وضع ظالمانه و نکبت بار حاکم است. این امر موجب بروز ترس از انتقام خلق و تزلزل در صفوف آنان می گردد.

باید تأکید کرد که نیروهای سرکوبگر موجود فقط حافظ رژیم جمهوری اسلامی نیستند بلکه آنها در اساس تکیه گاه سرمایه داران وابسته و امپریالیست‌های غارتگر و حافظ منافع آنها در ایران هستند. در واقع، این استثمارگران که فقر و مصیبت های گوناگون را بر کارگران و دیگر توده های ستمدیده ایران تحمیل کرده و خون مردم را در شیشه کرده‌اند بدون نیروهای نظامی موجود، از ارتش گرفته تا سپاه پاسداران و بسیج و غیره، یک روز هم قادر به حکومت و تسلط بر جامعه ما نمی باشند.

واقعیت این است که دلیل اصلی مبارزات مردم و جنگ های خیابانی چه امروز و چه در گذشته همه در یک امر کاملاً گویا نهفته است و آن این است که منافع اکثریت آحاد جامعه ما در تضاد با منافع مشتکی سرمایه دار قرار دارد که از استثمار کارگران و غارت منابع طبیعی یعنی ثروت های عمومی مردم ایران ارتزاق می کنند. آنها که خواهان تداوم وضع شدیداً ظالمانه کنونی، وضعی که زندگی را برای اکثریت آحاد جامعه به جهنمی واقعی تبدیل کرده، می باشند. این استثمارگران حتی اگر در مقابل قدرت توده ها مجبور به "برچیدن" بساط جمهوری اسلامی هم بشوند و یک رژیم غیر مذهبی (سکولار) روی کار آورند، هرگز دست از مفتخوری و انگل صفتی بر نخواهند داشت، به خصوص که نظام سرمایه داری جهانی غرق در بحران، امروز ادامه حیات رو به زوال خود را تنها در تحمیل هر چه بیشتر فقر و بدبختی به اکثریت مردم می بیند.

بنابراین بسیار مهم است به خاطر بسپاریم که سرمایه داران چه با جمهوری اسلامی و چه بی آن، بدون تحمیل یک جنگ تمام عیار به مردم ما، از سرکوب و جنایت دست بر نخواهند داشت. پس یا باید تن به خفت قبول وضع نکبت‌بار تحمیلی آنان داد و یا به همان گونه که شما مردم دلاور و شجاع ایران هم اکنون نشان می دهید باید به جنگ قاطع به منظور نابودی سیستم سرمایه داری آنها پرداخت. واضح است که شعارهایی که توده‌های انقلابی ما در هر تظاهراتی سر می دهند نظیر "وای به روزی که مسلح شویم" یا "ما زن و مرد جنگیم، به جنگ تا بجنگیم" و یا "می کشم، می کشم آن که برادرم کشت" که امروز با شعار "می کشم، می کشم، هر آنکه خواهرم کشت"، تکمیل گشته است، همگی بیانگر آگاهی توده های رزمنده ما به ضرورت مسلح شدن و آرزو و خواست آنها برای دست زدن به مبارزه مسلحانه علیه دشمنانشان می باشد.

اما، ضعف بزرگ مردم ما امروز نداشتن یک تشکیلات کمونیستی نظیر تشکیلات چریکهای فدائی خلق در دهه ۵۰ است. از قدیم به درستی گفته شده است که "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است". بر این اساس کارگران و زحمتکشان رنجدیده و دیگر توده‌های تحت ستم ما باید بتوانند راهی برای سازماندهی مسلح خود بیابند. از نظر ما این راه را باید با تشکیل گروه های سیاسی - نظامی متشکل از کارگران آگاه و جوانان روشنفکر انقلابی، با رعایت کامل مخفی کاری، آغاز کرد. این گروه‌ها ضمن انجام عملیات مسلحانه علیه دشمن با هدف تضعیف و در نهایت نابودی آن، به منظور بالا بردن آگاهی سیاسی توده ها باید دست به تبلیغ و ترویج نظرات انقلابی (کمونیسم واقعی) بزنند تا راه برای بسیج هم سیاسی و هم نظامی توده‌ها آماده گردد، تا توده‌های آگاه و مسلح بتوانند جنگ با دشمنانشان را تا رسیدن به پیروزی و برقراری یک جامعه دمکراتیک که در آن استقلال از امپریالیستها و نان، کار، مسکن، آزادی، تضمین شده باشد طی کنند.

چند نکته را نیز یادآور شوم.

۱- در نبردهای خیابانی اخیر حتی بیشتر از گذشته نقش پیشرو زنان مبارز ایران برجسته است. زنان در همه تجمعات و تظاهرات حضوری پر رنگ دارند و در سر دادن شعارهای رادیکال و مقابله با نیروهای سرکوبگر پیشقدم هستند. این تیری است بر قلب قیرگون دشمن و نویدی است بر دستیابی زنان به آزادی کامل که در یک جامعه سوسیالیستی که ذاتاً با دموکراسی واقعی همراه است، قابل تحقق می باشد. "زن، دموکراسی، آزادی".

۲- تجربه نشان داده است که موقعی که توده‌ها در ابعادی وسیع دست به مبارزه انقلابی می زنند و رژیم حاکم در آستانه سقوط قرار می گیرد، افراد متعلق به طبقه استثمارگر سعی می کنند با ابراز حمایت دروغین از جنبش توده‌ها خود را دوست مردم جا بزنند. امروز وقتی خاتمی ها و فلان سینماگرها و ورزشکارها و دیگر چهره های شناخته شده وابسته به حکومت، در مرگ زینای جوان از به اصطلاح "استخوان سوزی" و "بیزاری" از خود دم می زنند، این به خاطر توان و قدرت شما توده‌های رنج‌دیده و دلاور و انقلابی است. آنها در درجه اول سعی دارند با ابراز دوستی با مردم از شدت خشم شما نسبت به همه دست اندرکاران و نوکران خدمت گزار رژیم جهل و جنایت جمهوری اسلامی بکاهند. به طور کلی، هم این مهره های شناخته شده و هم کسانی که هستی شان با جمهوری اسلامی گره خورده و امروز به هر دلیل مخالف این رژیم شده‌اند، همچنین افراد سازشکار ظاهراً دوست با گرایش‌های اصلاح طلبی، همگی می کوشند به درون جنبش توده ها نفوذ کنند تا بتوانند مبارزات شما را در جهت دلخواه خود کانالیزه کنند. امروز آنها دم از اتحاد می زنند که منظورشان همان است که در سال ۱۳۵۷ خمینی فریبکار با عنوان "همه با هم" مطرح کرد. ستم‌دیدگان جامعه ما برای دست یابی به پیروزی شدیداً به اتحاد با هم نیازمندند و باید بتوانند در صفی واحد علیه دشمنانشان بجنگند. اما اتحاد با نیروهای غیر مردمی و "همه با هم" شدن جز شکست و ناکامی ثمره دیگری ندارد.

۳- در شرایطی که رسانه‌های نظیر تلویزیون "من و تو" و "ایران اینترنشنال" در خارج از کشور با تبلیغات دروغین در مورد رضا شاه، و هم‌زمان دشمنان مردم در خود ایران، با اعزام بسیجی و اطلاعاتی به درون تجمعات اعتراضی توده ها برای سر دادن شعار "رضا شاه، روح شاد"، می کوشیدند اینطور الفاء کنند که گویا مردم ما خواهان برگشت سلطنت منفور پهلوی در ایران هستند، طنین فریاد "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" و "مرگ بر دیکتاتور" از طرف توده های انقلابی در تظاهرات خونین اخیر، از یک طرف بیانگر آگاهی و هوشیاری والای توده های دلیر ماست، و از طرف دیگر پاسخ دندان شکنی است به تلاش‌های مذبوحانه مرتجعین.

۴- نکته برجسته دیگر، شعارها و اظهاراتی است که به طور افتخار انگیز وحدت مبارزاتی بین خلق‌های ایران را متجلی ساخت که یکی از آنها عبارت بود از "آذربایجان اوپاخدی، کوردستانا دایاخ دی" ( آذربایجان بیدار است، پشتیبان کردستان است). یا شعارهایی چون "از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان" و یا "کردستان، کردستان، چشم و چراغ ایران" که توده های انقلابی در رشت سر دادند. این شعارها، همگی همبستگی بین خلق‌های تشکیل دهنده سرزمین ایران را نشان داده و تو دهنی محکمی بر دهان ناسیونالیست‌های تنگ نظر است که در رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر وقت دیگر فرصت تبلیغ تفرقه بین مردم ایران را داشته اند.

در آخر تأکید کنم که تشکل و تسلیح، تنها راه پیشرفت مبارزه و رهائی توده های دربند ایران از قید سلطه امپریالیستها و سرمایه داران داخلی و جمهوری اسلامی ست. به امید آن که مبارزات سلحشورانه کنونی با قهرمانی ها و فداکاری های تحسین برانگیزی که صورت می گیرد راه را برای این منظور و رسیدن به پیروزی نهائی بگشاید.

سرانجام، پیروزی از آن توده های دربند ماست و ننگ و شکست و خواری از آن دشمنانمان!

اشرف دهقانی  
۳۱ شهریور ۱۴۰۱